

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۳۲۲

ورزشی

خبر

دموکراسی بی‌بی‌سی: دهانت را ببند و برو خانه

اخراج لینه‌کر در پی حمایت از مردم فلسطین

اخراج مجری ورزشی شبکه بی‌بی‌سی به خاطر حمایت از فلسطین، واقعیت آزادی بیان غربی‌ها را نشان داد. به گزارش فارس، حمایت از فلسطین و مردم غزه، گری لینه‌کر، کاپیتان اسبق تیم ملی فوتبال انگلیس، آقای گل جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک و مجری مشهور بی‌بی‌سی را خانه‌نشین کرد تا دموکراسی این شبکه سلطنتی بریتانیا با مهر «دهانت را ببند و از آدم‌کش انتقاد نکن» روی برگه اخراجش بنشیند. لینه‌کر به عنوان گران‌ترین و پردرآمدترین مجری شبکه بی‌بی‌سی با ۲۶ سال سابقه مجبور به استعفا شد.دوشنبه شبکه بی‌بی‌سی خیلی شیک از پایان همکاری‌اش با مهاجم پیشین تیم ملی انگلیس در یک‌شنبه آینده در آخرین هفته مسابقات لیگ برتر انگلیس خبر داد و طوری این اتفاق را بازناب داد گویی هیچ اتفاقی نیفتاده و لینه‌کر یک فرد نژادپرست و بهودستیز است. شبکه الجزیره نوشت: لینه‌کر به خاطر انتشار پست حمایت از مردم فلسطین مجبور به عذرخواهی شد اما کافی نبود چون دموکراسی بی‌بی‌سی نظر مخالف را نمی‌پذیرد. شبکه بی‌بی‌سی مدعی بی‌طرفی است به همین خاطر لینه‌کر را به اتهام «بهودستیزی» اخراج کرده اما سکوت در قبال کشتار کودکان غزه به دست اسرائیل بخشی از بی‌طرفی شبکه سلطنتی انگلیس است!

گزارش

پایان خوش فصل پُراضراب شاهکار پرز؛ انقلاب ژایی

در فوتبال، گاهی شگفتی‌ها فقط در زمین بازی رقم نمی‌خورد؛ گاهی در اتاق مدیران باشگاه رخ می‌دهد. فصل تلخ و عجیب قوی سپید که می‌توانست با تلخی عمیق‌تری پایان یابد، حالا به لطف مدیریت درخشان فلورنتینو پرز و تصمیمات دقیق ژایی آلونسو، سرمربی جدید مادرید، وارد مرحله نو و هیجان‌انگیزی شده است.ژایی آلونسو زمانی روی نیمکت مادرید خواهد نشست که تیمش را در بحرانی‌ترین حالت ممکن تحویل می‌گیرد؛ مصدومیت‌های فراوان در خط دفاع و نتایجی که هیچ هواداری انتظارش را نداشت. با این وجود، پرز خیلی زود فهمید حمایت از آلونسو باید فراتر از وعده‌های معمول باشد. برای همین بود که قبل از جام‌جهانی باشگاهی و رئال مادرید دست به یک «انقلاب زوهدنگام» زد.

ژایی و ۳ مهره طلایی
۳ بازیکن مطرح اروپایی حالا در مسیر مادرید هستند؛ نام‌هایی که هر کدام به تنهایی می‌توانستند بمب خبری باشند. خریدهایی که قرار است نه‌تنها ترکیب، بلکه هویت دفاع رئال را در حساس‌ترین تورنمنت باشگاهی جهان دگرگون کنند. اول از همه، هویسن، مدافع میانی مستحکم بورنموث است که انتقالش قطعی شده. ۵۸ میلیون یورو برای بازیکنی که آینده‌ای درخشان پیش روی اوست، شاید مبلغ بالایی باشد اما مادرید و ژایی بخوبی می‌دانند ارزش سرمایه‌گذاری روی بازیکنی مثل او چه اندازه است. مهره دوم، ترنت الکساندر آرنولد، مدافع راست و ستاره لیورپول است که حضورش در ترکیب مادرید هر چند هنوز رسمی نشده اما قطعی به نظر می‌رسد. هزینه انتقال او صفر است و بازیکن آزاد است و تنها پرداخت دستمزد این بازیکن از ماه ژوئن می‌ماند. ترنت شخصا به این انتقال چراغ سبز داده و حالا همه چیز وابسته به تایید نهایی مدیران مادرید است. اما سومین و شاید پیچیده‌ترین خرید، کارلاس است. بازیکنی که برای جذب او ۳ باشگاه در گیر یک معامله پیچیده شده‌اند: رئال مادرید، بنفیکا و منچستر یونایتد. بنفیکا که زمانی او را فقط با ۶ میلیون یورو خریده بود، حالا با پرداخت ۱۸ میلیون یورو از سوی منچستر، بازیکنش را از دست می‌دهد اما سود مالی قابل توجهی می‌برد. یونایتد با فعال کردن بند بازخرید ۱۸ میلیون، این مدافع را اجنب می‌کند و بارقاصه وی را ۳۵ میلیون یورو به مادرید می‌فروشد. این معامله، شاید چندان خوشایند طرفداران فوتبال نباشد اما برای رئال، راهی هوشمندانه برای تقویت یکی از آسیب‌پذیرترین مناطق زمین است.

ژایی و دفاع کاملاً نو

با قطعی شدن این ۳ خرید، ژایی حالا ترکیبی متفاوت را در اختیار خواهد داشت؛ ترکیبی که حتی پیش از شروع جام‌جهانی باشگاه‌ها، تحسین‌ها را برمی‌انگیزد. مدافع راست انگلیسی (الکساندر آرنولد) با سابقه درخشان در لیورپول، در کنار مدافع جوان و قدرتمند هلندی (هویسن) که حالا با آنستیسو، هافبکی که به دفاع آورده شده، زوج جدید قلب دفاع مادرید را تشکیل می‌دهد. در سمت چپ نیز کارلاس که انتقالش یک معامله عجیب و پر حاشیه است، وظیفه سنگینی برای بر کردن جای مندی مصدوم بر عهده دارد. این خط دفاع جدید، ابتدای فصل فقط یک رؤیا به نظر می‌رسید و کمتر کسی باور می‌کرد مادرید در جام‌جهانی باشگاه‌ها چنین ترکیبی داشته باشد اما ژایی و پرز نه‌تنها این رؤیا را محقق کردند، بلکه توانستند در زمانی کوتاه و با هزینه‌ای معقول، کیفیت فوق‌العاده به خط دفاع تیم ببخشند.

چرا این انقلاب ضروری بود؟

مصدومیت‌های طولانی مدت و سنگین کارواخال، میلیتائو، آل‌بالا، رودیگرو و مندی به رئال مادرید ضربه‌هایی زد که تصورش در ابتدای فصل ممکن نبود. ژایی خوب می‌دانست اگر تیمش می‌خواهد در میانه فصل آینده به موفقیتی مهم مثل جام‌جهانی باشگاه‌ها برسد، باید از تغییرات نترسد. او مسئولیتی سخت را پذیرفت و حالا با حمایت تمام‌عیار پرز، شرایطی فراهم شده تا هواداران مادرید، بار دیگر امیدوارانه به تیم‌شان نگاه کنند.

چشم‌انداز آینده

این تصمیمات نشان می‌دهد مدیریت مادرید و ژایی، نه فقط به دنبال موفقیت موقت، بلکه در حال ساختن آینده هستند. این ۳ بازیکن، نه‌تنها برای جام‌جهانی باشگاه‌ها، بلکه برای فصل‌های آتی هم نقشی کلیدی خواهند داشت. ژایی که خودش روزی یک ستاره بزرگ در زمین فوتبال بود، حالا به عنوان سرمربی، با شجاعتی مثال‌زدنی نشان داد می‌تواند تیم را در بحرانی‌ترین شرایط هم به ساحل آرامش برساند. رئال مادرید این فصل را با تلخی شروع کرد اما به لطف تصمیمات جسورانه و حمایت بی‌درج مدیر باشگاه، حالا پایانی خوش در انتظار آن است؛ پایانی که شاید نقطه آغاز یک عصر طلایی تازه برای کهنکشتالی‌ها باشد.



قرمزهای تهران و تبریز گل اول را می‌زدند کار را تمام می‌کردند

گامبک نخورده‌ها

۴۶ امتیاز از ۴۸ امتیاز ممکن است؛ عددی شگفت‌انگیز که زبان را می‌گیرد.

با میانگین ۲.۹ امتیاز در دیدارهایی که گل اول را زدند، پرسپولیس، چون کوهی آرام و بی‌تزلزل ایستاد و اجازه نداد باد حوادث بازی، پایه‌های پیروزی‌اش را بلرزاند. نه عقب‌نشینی بی‌مورد، نه دفاع عصبی؛ تنها یک کنترل مدبرانه، یک حفظ حوصله مربی‌وار و یک تیم که خوب می‌دانست بازی را چگونه ببندد.

■ تراکتور؛ فاتح هجومی و باشکوه

اما تراکتور، تیمی با چهره‌ای هجومی‌تر نیز، همان‌قدر خطرناک بود. ارتش سرخ تبریز، با هدایت دراگان اسکوچیچ، در ۲۱ مسابقه‌ای که گل نخست را به ثمر رساند، در ۱۹ دیدار پیروز شد و تنها یک تساوی و یک شکست داشت. این یعنی ۵۸ امتیاز از این راه به دست آمد؛ ۵۸ امتیازی که هرکدام، حاصل یک آغاز توفانی و پایانی مقتدر بود.

هر چند از نظر میانگین، تراکتور اندکی پایین‌تر از پرسپولیس قرار گرفت (۲.۸ امتیاز) اما شمار بازی‌هایی که توانست پس از گل اول برتری را نگه دارد، از پرسپولیس بیشتر بود. شاگردان اسکوچیچ به روشنی نشان دادند

از قهرمانی لیگ امارات تا آقای گلی آسیا

فصل طلایی سردار

امارات انجام داده، موفق به زدن ۱۱ گل شده است. این در حالی است که بخشی از فصل را به‌دلیل مصدومیت از دست داد و با دوری از میادین و افت بدنی دست‌وپنجه نرم می‌کرد.

فینال مسابقات هم پیش رفت. اما در بازی نهایی، همه چیز برای انور مطابق میلش پیش نرفت. تیم او با نتیجه ۲ بر یک مغلوب شارجه امارات شد و شوال، با تمام عطش و وسواسش برای گلزنی، در حسرت گل نهم باقی ماند. درست همین ناکامی بود که جایگاه آزمون را در صدر جدول گلزنان تثبیت کرد؛ بدون آنکه نیاز به زدن حتی یک گل بیشتر باشد. **■ فراتر از یک گلزن** اما اگر تصور کنیم افتخارات سردار تنها به گل‌هایش در لیگ قهرمانان آسیا خلاصه می‌شود، در اشتباه خواهیم بود. او در لیگ داخلی امارات نیز مهره‌ای تعیین‌کننده بود. در ۲۰ دیداری که تا پیش از پایان فصل در لیگ



فدراسیون، استیفاف، بیرانوند

یک رأی و هزار حرف ناگفته

«محرومیت یا هست یا نیست، تعلیقی یعنی چه؟» و همین بود که پای پرونده به کمیته استیفاف باز شد.

■ کمیته استیفاف؛ سنگری به نام سکوت

انتظار می‌رفت کمیته استیفاف، که سال‌هاست از لابه‌لای پرونده‌ها عبور می‌کند، دست‌کم برای این یکی کمی شفاف‌تر عمل کند. اما بازی جدیدی آغاز شد: سکوت، وعده، فردا، هفته بعد. لیگ به پایان رسید، تراکتور قهرمان شد، پرونده‌ها بسته شد اما رای نهایی بیرانوند هنوز در راه بود؛ یا بهتر بگوییم، در راه مانده بود. حتی وقتی خبر رسید کمیته استیفاف رای داده، فدراسیون فوتبال اعلام کرد نه رای آمده، نه خبری هست. گره کورتر شد، افکار عمومی سردرگم‌تر.

پرسپولیس‌ها این سکوت را نشانه‌ای از مماشات خواندند؛ حتی بدبینانه‌تر، آن را ناشی از «توصیه‌های بیرونی» دانستند در دنیای بی‌شفافیت فوتبال ایران وقتی سکوت طولانی می‌شود، هر شایعه‌ای ممکن است جان بگیرد.

■ آیا پای CAS به میان می‌آید؟

حالا همه چیز به یک سوال گره خورده: اگر رای استیفاف، خواسته‌های پرسپولیس را تأمین نکند، آیا این باشگاه به دادگاه عالی ورزش (CAS) شکایت خواهد برد؟

پاسخ این سوال، نه ساده است، نه روشن. از نظر حقوقی، تا زمانی که رای استیفاف به‌طور رسمی صادر و ابلاغ نشود، باشگاه پرسپولیس حق شکایت به CAS را ندارد اما فرض کنیم رای منتشر شد و محرومیت قطعی در کار نبود؛ آن‌وقت شرایط تغییر می‌کند

بازی پیروز میدان شد. این تیم با میانگین ۱.۶ امتیاز، ضعیف‌ترین عملکرد را داشت و یکی از دلایل اصلی سقوطش همین بود؛ ناتوانی در محافظت از داشته‌ها. آنها می‌درخشیدند اما زود خاموش می‌شدند.

مس رفسنجان نیز با عملکرد مشابه، در ۹ مسابقه گل اول را زد، ۱۷ امتیاز گرفت و با میانگین ۱.۹ امتیاز، در‌دست کنار استقلال ایستاد. تفاوت تنها در نام بود، نه کارکرد.

■ نتیجه‌گیری؛ فوتبال فقط گل زدن نیست

در این فصل لیگ برتر، یک حقیقت بزرگ دوباره یادآوری شد: گل اول، شروع است نه پایان. اینکه تیمی گل بزند و بتواند آن برتری را مدیریت کند، همان چیزی است که از قهرمانان واقعی انتظار می‌رود. پرسپولیس و تراکتور، هر کدام به سبک خود، این توانایی را نشان دادند. یکی با صلابت دفاعی، دیگری با موج هجومی اما هر دو، در یک چیز مشترک بودند: وقتی جلو افتادند، برتری‌شان را پس ندادند.

و این یعنی شایستگی. یعنی بلوغ تاکتیکی. یعنی تیمی که وقتی دست بالا را دارد، آن را تا آخر می‌فشارد و اجازه نمی‌دهد سرنوشت از دستش لیز بخورد.

■ سردار در آرامش امارات، همچنان بر قله

شاید برای برخی هواداران فوتبال، درخشش در لیگ امارات به اندازه درخشش در لیگ‌های اروپایی جذاب نباشد اما وقتی از نگاه حرفه‌ای و آماری به عملکرد سردار آزمون نگاه می‌کنیم، چیزی جز رشد و تداوم موفقیت دیده نمی‌شود. بازیکنی که پیش‌تر با زینت سن‌پترزبورگ روسیه، بایرلورکوزن آلمان و رم ایتالیا در اروپا بازی کرده، حالا در فوتبال خلیج‌فارس با همان انگیزه و عطش همیشگی، هر روز برگ جدیدی از کارنامه‌اش را ورق می‌زند.

در این میان، عنوان آقای گل لیگ قهرمانان آسیا نه فقط یک افتخار فردی، بلکه نماد ثبات و تداوم فرم بالای آزمون است. مهاجمی که شاید دیگر آن چهره پریهاو و رسانه‌ای سابق را نداشته باشد اما درون زمین، همچنان «سردار» است؛ همان کاپیتانی که به جای شعار دادن، با آمار و عدد و جام، حرف می‌زند، و شاید اینگونه بتوان دانستن فصل ۱۴۰۴ سردار آزمون را روایت کرد: فصلی که با قهرمانی در لیگ امارات آغاز شد، با آقای گلی در آسیا ادامه یافت و با تبدیل شدن به ماشین گل‌سازی در باشگاه الاهلی، به یکی از پرنگ‌ترین فصول زندگی ورزشی او تبدیل شد.

باشگاه پرسپولیس، در این پرونده به دنبال ۲ چیز است: نخست، محرومیت قطعی بیرانوند، دوم، محکومیت باشگاه تراکتور به دلیل اغوی بازیکن تحت قرارداد. اگر در هیچ‌کدام به نتیجه نرسند، احتمال بردن پرونده به CAS بالا می‌رود.

پرسپولیس پیش‌تر، تجربه‌ای تلخ از پرونده مشابه داشته: ماجرای مهدی طارمی و باشگاه ریزه‌سپور ترکیه. آن زمان هم CAS حکم داد: طارمی ۴ ماه محروم شد، پرسپولیس ۲ پنجره نقل و انتقالی را از دست داد و مبلغی سنگین باید به باشگاه ترک پرداخت می‌شد. بخش مالی با دخالت سیاسی حل شد اما باقی مجازات‌ها اجرا شد. حالا پرسپولیس نگران است دوباره وارد میدان مین شود.

■ از حکم تا حکمت؛ چشم‌ها به درویش دوخته شده

در میان همه این بلاکنلفی‌ها، چشم‌ها به رضا درویش است. مدبری که روزی با قاطعیت از استعفا حرف زد اما حالا ترجیح می‌دهد کمتر حرف بزند. شاید منتظر است، شاید درگیر رابزنی‌هایی است، شاید هم از بازی پیچیده پشت پرده آگاه است و نمی‌خواهد وارد مرحله جدیدی از تنش شود.

اما آنچه مسلم است، این است که اگر پرسپولیس بخواهد پرونده را از مرزهای ایران خارج کند، باید هزینه بدهد؛ هم مالی، هم رسانه‌ای، هم شاید سیاسی. CAS ششوی ندارد. هیچ پرونده‌ای در آنجا با خواش و ریش سفیدی بسته نمی‌شود. فقط مستند، دقیق، حقوقی، و این یعنی پرسپولیس، پیش از بردن پرونده به سویس،

